



دراماتورژی چیست؟ دراماتورژ کیست؟

| مجموعه مقالات | به کوشش: محمدرضا خاکی - منصور برامیسی | تناسخ: نظریه و اجرا (۷) |

| What is dramaturgy? Who is a dramaturge? | Collecting and Editing: M.R. Khaki-M. Barahimi |

| چاپ دوم |





| دراماتورژی چیست؟ دراماتورژ کیست؟ |

| مجموعه مقالات |

| به کوشش: محمدرضا خاکی، منصور براهیمی |

| ویراستار: مرتضی حسین‌زاده | نمونه‌خوان: میلاد اصلی |

| مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |

| مدیر تولید: مصطفی شریفی |

| چاپ دوم | ۱۳۹۷ تهران | ۵۰۰ نسخه |

| شابک: ۹-۰۳-۵۱۹۳-۶۰۰-۹۷۸ |

| Bidgol Publishing co. |  | نشر بیدگل |

| تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ |

| فروشگاه: تهران | خیابان انقلاب | بین فروردین و فخررازی | پلاک ۱۳۷۴ |

| تلفن فروشگاه: ۱۷۳۶۹۶۴۵، ۳۵۴۶۴۶۶۶ |

| bidgolpublishing.com |

| همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |

مجموعه‌ی تئاتر، نظریه، و اجرا

چرا به نظریه و عمل تئاتر نیاز داریم؟ جدایی نظریه و عمل در تئاتر ایرانی چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟ بعد از چندین دهه از سپری شدن عمر تئاتر ایرانی، نیاز به ترجمه‌ی آثار کلاسیک نظریه پردازان و پیشروان تئاتر بیش از پیش از سوی دست اندرکاران تئاتر حس می شود.

مجموعه‌ی تئاتر، نظریه و اجرا، با این نیت طراحی شده است تا به معرفی سنت‌های زنده و پویای تئاتر در عصر ما بپردازد؛ سنت‌هایی که لزوم خوانش مجددشان از هر جهت حس می شود. بر این اساس معرفی جریان‌های عمده‌ی تئاتر و اجرای معاصر، بازخوانی آن‌ها، و تأکیدنهادن بر رابطه‌ی میان عمل و نظریه‌ی تئاتر از اهداف اصلی این مجموعه است.

دبیر مجموعه

علی اکبر علیزاد

| فهرست مطالب |

- ۱۱ پیش‌گفتار
دراماتورژی چیست؟ دراماتورژ کیست؟
محمد رضا خاکی، منصور براهیمی
- ۲۹ دراماتورژی چیست؟
برت کار دولو/لیون کتس/دیوید کوپلین
مترجم: منصور براهیمی
- ۵۷ دراماتورژی چیست؟ دراماتورژ کیست؟
پیتر اِکرسال
مترجم: حمید احیا
- ۶۹ دراماتورژی هامبورگ
گوتهولت افرائیم لسینگ
مترجم: هوشنگ آزادی‌ور
- ۸۳ برتولت برشت در مقام دراماتورژ
راسل ای. براون
مترجم: داود دانشور

- ۹۳ دراماتورژ به چه عناصری از نمایش توجه دارد:
گفت‌وگوی دو دراماتورژ درباره‌ی این‌که چرا در این حرفه‌اند و چه چیز آن را دوست دارند
لیز انگلمن و مایکل بیگلو دیکسن
مترجم: احمد دامود
- ۱۰۷ دراماتورژی در کلاس درس:
آموزش به دانشجویان دوره‌ی کارشناسی که دانش «جو» نباشند
کاری. م. مایزر
مترجم: بهزاد قادری
- ۱۲۱ آموزش تحلیل متن:
چگونه مهارت کلیدی دراماتورژی می‌تواند نگرش نقادانه را پرورش دهد
شلی آر
مترجم: رضا دادویی
- ۱۳۵ آموزش و تمرین مشارکت گروهی
لین ام. تامسن
مترجم: مجید اخگر
- ۱۶۱ نظریه‌های تألیف و تأویل
جین لور
مترجم: مجید اخگر
- ۱۷۹ دراماتورژی آثار غیرنالیستی: خلق واژگانی نوین
توری هرینگ اسمیت
مترجم: علی دادرس
- ۲۰۱ عناصر چهارگانه: انگاره‌های جدید دراماتورژی سنت شکن
جو دیت روداکف
مترجم: بابک مظلومی

- ۲۱۷ **دراماتورژی تماشاگر**
مارکو دو مارینس
مترجم: مزگان غفاری شیروان
- ۲۴۵ **دراماتورژی در دو معنا:**
به سوی نظریه‌ای برای دراماتورژی نمایشنامه‌های جدید و برخی اصول مقدماتی آن
آرت بورکا
مترجم: مهدی نصرالله‌زاده
- ۲۷۱ **دراماتورژی و سکوت**
جفری پروئل
مترجم: بابک تبرایی
- ۲۸۹ **سیاست‌شناسی دراماتورژی**
جان لاتربی
مترجم: بابک تبرایی
- ۳۰۱ **چرا به کارگردان نیاز نداریم:**
بیانیه‌ای دراماتورژیکال / تاریخی
مایکل ایکس. زله‌ناک
مترجم: هوشنگ آزادی‌ور
- ۳۱۱ **کارگردانان، دراماتورژها و جنگ در لهستان:**
گفت‌وگویی با یان کات
مصاحبه‌گران: روستوم بهاراچا، جنیس پارا، لارنس شایر
مترجم: رضا سرور
- ۳۲۵ **دراماتورژی در گفت‌وگو با آن کاتانو**
لین ام. تامسن
مترجم: مزگان غفاری شیروان

۳۷۱

دراماتورژی در گفت‌وگو با بیل گلسکو

جودیت روداکف

مترجم: مینا درودیان

۴۱۵

دراماتورژی گروهی چیست؟

گزارشی از تجربه‌ی یک‌ساله‌ی فعالیت «گروه دراماتورژی شبکه‌ی دوم سیما»

مؤلف: بابک تبرایی

۴۳۷

فرایند دراماتورژی داستان «محمود و ایاز»: دراماتورژی و مثنوی معنوی

مؤلف: رها علی‌نژاد



پیش‌گفتار |

دراماتورژی چیست؟ دراماتورژی چیست؟ |

محمد رضا خاکی، منصور براهیمی

دراماتورژی چیست؟ دراماتورژی چیست؟ واژه‌ی دراماتورژی کی، کجا و به دست چه کسی ابداع شد؟ آیا تفاوتی میان دراماتورژی و اقتباس^۱ وجود دارد؟ رابطه‌ی دراماتورژ با دیگر عوامل انسانی در سازمان تئاتری چگونه است و چگونه باید باشد؟ جایگاه متن، مکان اجرا، تماشاگران و غیره در دراماتورژی کجاست؟

وقتی بحث دراماتورژی پیش می‌آید، این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر زمینه و فضایی می‌سازند که نشان‌دهنده‌ی ابهام همه‌جانبه‌ی این اصطلاح است. در ایران، به‌رغم تکرار فراوان این اصطلاح در سال‌های اخیر، هنوز هم احساس نمی‌کنیم در فضایی بالنسبه شفاف سخن می‌گوییم، و وقتی درمی‌یابیم پرسش «دراماتورژی چیست؟» هنوز هم در جدیدترین کتاب‌های تئاتری جهان مطرح است با خود می‌اندیشیم – کم‌وبیش خوش‌بینانه – چندان هم عقب نیستیم!

کیتی ترنر^۲ و سین برنر^۳ در پیش‌گفتار کتاب **دراماتورژی و اجرا** (۲۰۰۷)، که فصل اول آن به پرسش «دراماتورژی چیست؟» اختصاص دارد، می‌نویسند:

از بسیاری جهات، نگارش چنین کتابی ناممکن است. اصطلاحات «دراماتورژی» و «اجرا»، هر دو، چنان حوزه‌های وسیعی را پوشش می‌دهند و به‌قدری طالب درک فراگیر عمل و حرفه‌ی هنر، در گذشته و حال، و نیز طالب فهم وسیع و متنوع

فرهنگ‌های معاصرند که حتی اقدام به چنین عملی بیش از حد «بلندپروازانه» به نظر می‌رسد... از سوی دیگر، ما باید کار را شروع می‌کردیم... ما هر دو درگیر تدریس «دراماتورژی» هستیم و وقتی از ما می‌پرسند این واژه به چه معنی است و «دراماتورژی» چه کسی می‌تواند باشد، بی‌فایده است اگر بگوییم پرسش‌هایی از این دست پاسخ‌ناپذیرند. پاسخ‌های موقت و نسبی، و به معنای دقیق کلمه پذیرفته شده، ممکن است آغازگر کندوکاوی جدید باشند...^۵

در سال ۱۳۸۴ زمانی که در تدارک شماره‌ی دوم فصلنامه‌ی **تئاتر** بودیم، مسائلی از همین دست ما را واداشت که یک شماره‌ی کامل و بخشی از شماره‌ی بعدی فصلنامه‌ی **تئاتر** را به موضوع «دراماتورژی» اختصاص دهیم. در حال حاضر نیز به این امید به گردآوری، بازآرایی و بازنگری همان مجموعه همت گماشته‌ایم تا شاید پاسخ‌های «نسبی و موقت» ما بتواند باب بحث‌ها و کنکاش‌های جدیدی را در حوزه‌ی نظری و عملی دراماتورژی در تئاتر کشورمان باز کند.

مری لاکهرست^۶، در کتاب **دراماتورژی: انقلابی در تئاتر**^۷ سرمنشأ این اصطلاح را تا یونان باستان دنبال می‌کند.^۸ با این‌که بسیاری گمان می‌کنند باید **بوطیقای** ارسطو را به عنوان نخستین اثری در نظر گرفت که نگارش دراماتورژیک را در فرهنگ اروپایی بنیان نهاده است، اما در واقع این گوتهولت افرائیم لسینگ^۹ بود که در آلمان نیمه‌ی قرن هجدهم این اصطلاح را برای نوعی عمل انتقادی خاص (تشخیص فرایند دراماتورژی نمایشنامه) به کار برد. ریشه‌یابی لاکهرست از جهاتی ممکن است گمراه‌کننده باشد، زیرا تئاتر یونان بر اصولی بسیار متفاوت از تئاتر مدرن اروپایی استوار بوده است، به طوری که اصطلاح «دراماتورژی» در زمینه‌ی یونانی ترجمه‌ناپذیر و غیرقابل انتقال به نظر می‌رسد. وضع این اصطلاح در زبان آلمانی آن هم با اشتقاق از زبان یونانی اگرچه طنین عقلانی خود را حفظ کرد، اما معنا یا معانی کاملاً جدیدی پیدا کرد. به عبارت دیگر، همان‌گونه که فصل‌بندی لاکهرست نیز نشان می‌دهد، تاریخ دراماتورژی، بی‌چون و چرا، با لسینگ آغاز می‌شود.

با توجه به این‌که – متأسفانه – منابع اصلی ما در این کتاب اغلب متکی بر منابعی است که در زبان انگلیسی به چاپ رسیده‌اند، باید یادآور شویم که واژه‌ی «دراماتورژی» به عنوان واژه‌ی دخیل، عمر زیادی در جوامع انگلیسی‌زبان ندارد، و از

این حیث تا حدودی وضع و حال دراماتورژی در زبان انگلیسی شباهت‌هایی با ما دارد. با وجود این، تلاش جوامع انگلیسی‌زبان برای توضیح، تبیین، تعریف و تثبیت اصطلاحات «دراماتورژی» و «دراماتورژ» راهنمای مناسبی برای ما نیز هست و خواهد بود. اکنون با اطمینان می‌توان گفت این دو اصطلاح برای ما نیز ترجمه‌ناپذیرند و عاقلانه‌ترین راه آن است که همچون واژه‌های «تراژدی»، «کمدی» و غیره، از ترجمه‌کردن آن‌ها بپرهیزیم. به یاد داریم زمانی که کتاب **گفت‌وگوهای مسینگ‌کوف**^{۱۰} درباره‌ی **تئاتر** اثر برتولت برشت در سال ۱۳۵۲ روانه‌ی بازار کتاب شد.^{۱۱} مترجمان آن، منیژه کامیاب و حسن بایرامی، واژه‌ی آلمانی «دراماتورگ» را «نویسنده» ترجمه کردند و در توضیح آن نوشتند:

در تئاتر آلمان واژه‌ی دراماتورگ، که این‌جا ناگزیر «نویسنده» ترجمه شده، کسی است که نمایشنامه‌ها را می‌خواند، انتخاب می‌کند، و گهگاه کارگردانی می‌کند، غالباً (مثل برشت) خود نیز نمایشنامه‌نویس است (ص ۱۲).

بعدها فرامرز بهزاد در کتاب **درباره‌ی تئاتر**^{۱۲} (۱۳۵۷)، دراماتورگ را «نمایشنامه‌شناس» و دراماتورگی را «نمایشنامه‌شناسی» ترجمه کرد. اکنون که بیش از سی سال از آن زمان گذشته است ما هنوز در تعریف و تبیین این اصطلاحات گامی فراتر ننهاده‌ایم و تلاش حاضر نخستین کوششی است که برای مطالعه و بررسی وسیع‌تر این اصطلاحات صورت می‌گیرد.

واژه‌ی «دراماتورژی» صرفاً به معنی فعالیت و کنش «دراماتورژ» نیست، و در واقع می‌توان آن را بدون ارجاع به «دراماتورژ» هم به کار برد. دراماتورژی معمولاً با کمپوزیسیون^{۱۳}، ساختار^{۱۴} و ساخت و پرداخت پیوند دارد. در عین حال دراماتورژی نوعی «فعل» یا «عمل» است. در واقع آن‌چه در طول ایام تغییر می‌کند همین فعل یا «روند عملی» دراماتورژی است. این تغییر چرا صورت می‌گیرد؟ احتمالاً پاسخی کوتاه می‌تواند این باشد که راه‌های نگرش ما به جهان و نحوه‌ی خوانش ما از آن مدام تغییر می‌کند. کافی است نگاهی به نحوه‌ی ترجمه، اقتباس و اجرای نمایشنامه‌های غربی (به طور مشخص: شکسپیر و مولیر) از عصر قاجار تا زمان حال بیندازیم تا متوجه تغییرات وسیع عمل دراماتورژی در طول این ایام بشویم. با این‌که قرار بود تاریخچه‌ای از عملکرد دراماتورژی و دراماتورژها در ایران معاصر تهیه شود، و با این

که در این مورد تحقیقاتی، معدود و محدود، در دانشگاه‌ها انجام شده است، اما سرانجام موفق نشدیم مطلب قابل قبولی در این زمینه به دست آوریم و ناچار مسائل و پرسش‌های پژوهشی وسیع آن را به آیندگان واگذاشتیم تا جور کم‌کاری‌های پژوهشی ما در زمان حال را بکشند.

با آن‌که این تمایل وجود دارد که «تحلیل اجرا»^{۱۵} را مترادف «دراماتورژی» فرض کنند و حتی این دو را کمابیش قابل تعویض و تبدیل بدانند، اما واقعیت این است که اولی، با توجه به ریشه‌ی analysis در یونانی، که بیشتر به معنی «بازکردن و شل کردن» است، بر عمل رشته کردن و تجزیه کردن تاروپودها دلالت می‌کند، درحالی‌که دومی، چنان‌که گفتیم، با مفاهیم «تألیف»، «تصنیف» و «ترکیب» پیوند خورده است. دراماتورژی بیشتر مشارکت است تا نقد؛ بیشتر ساختن است تا تجزیه کردن. اما این هر دو به شدت و در عمل درگیر و ویژگی شاخص تئاتر و نمایش‌اند، که همانا تنش میان «ثبات» مفهوم و «سیالیت» اجراست. خوب است این تنش را در زمینه‌های دیگری که واژه‌ی «دراماتورژی» در آن‌ها به کار می‌رود نیز محک‌زنیم؛ مثلاً اروینگ گافمن^{۱۶} اصطلاح «دراماتورژی» را برای بحث درباره‌ی رفتارهای اجتماعی، نقشی که ما در ارتباط با دیگران بازی می‌کنیم، و نیز درباره‌ی عرضه‌داشت خودمان به مخاطبان پیرامونمان به کار می‌برد. گافمن بر آن است که مواجهات اجتماعی ما را می‌توان همانند «متن»^{۱۷} در نظر گرفت؛ متنی که نه فقط کلمات را در بر می‌گیرد، بلکه شامل اطوار و اعمال نیز می‌شود. مانند همه‌ی «متن»ها، تعاملات اجتماعی ما نیز شامل یک رکن ساختار، نوعی تمرین و تکرار، و نیز توانایی بازشناسی و ارجاع به نوعی نظم اجتماعی می‌شود. با این‌همه ما آن‌ها را به عنوان لحظه‌های یگانه‌ی مواجهه، از آن خود، و تجربه می‌کنیم:

ویکتور ترنر^{۱۸} در تحلیل «درام‌های اجتماعی» از اصطلاح‌شناسی تئاتری برای تشریح شیوه‌ی برخورد با موقعیت‌های نامتوازن و بحرانی استفاده می‌کند... اروینگ گافمن (۱۹۵۹) نیز در استفاده از سرمشق یا الگوی تئاتری به اندازه‌ی ترنر صراحت دارد. به باور گافمن، همه‌ی تعامل‌های اجتماعی جنبه‌ی نمایشی دارند: آدم‌ها نخست خود را برای نقش‌های اجتماعی (پرسوناها یا نقاب‌های گوناگون و تکنیک‌های مختلف ایفای نقش) در «پشت‌صحنه» آماده می‌کنند و سپس برای

انجام تعامل‌های اجتماعی مهم و کارهای متعارف و روبه‌مند وارد «صحنه‌ی اصلی» می‌شوند. در نظر ترنر و نیز گافمن، طرح انسانی اصلی و پایه همواره یکی است: یک فرد یا گروه در صدد کسب جایگاهی تازه در نظام اجتماعی برمی‌آید. این اقدام یا مورد موافقت قرار می‌گیرد و یا با مانع مواجه می‌شود. در هر دو صورت بحرانی روی می‌دهد، چراکه هر تغییری در مرتبه و جایگاه، متضمن تعدیل دوباره‌ی کل طرح است. این تعدیل دوباره نیز به گونه‌ای اجرایی صورت می‌گیرد، یعنی با استفاده از تئاتر و آیین.^{۱۹}

معماران، دراماتورژی را با روش‌هایی مرتبط دانسته‌اند که به کمک آن‌ها هر ساختمانی می‌تواند طیف متنوعی از کاربردها را پیشنهاد دهد و امکان‌پذیر سازد: برنارد چومی^{۲۰} معمار بر آن است که معماری «به مثابه آمیزه‌ی فضاها، رویدادها و جنبش‌ها دیده می‌شود... تجربه‌ی ما به تجربه‌ی رویدادهایی بدل می‌شود که با واسطه‌ی معماری نظم و راهبرد یافته‌اند» (Tschum, 2000, 176). بنابراین از نظر چومی فضای «آرمانی» و مفهومی در رابطه‌ای پویا با فضای زیسته موجودیت پیدا می‌کند. با این‌که چومی اصطلاح «دراماتورژی» را به کار نمی‌برد (البته از اصطلاحات دیگر مربوط به اجرا استفاده می‌کند) ولی آشکارا معماری را به مثابه عملی دراماتورژیک وصف می‌کند؛ عملی که در آن استقرار سنجیده‌ی ساختار برای برانگیختن یا امکان‌پذیر ساختن رویدادهای زنده پدید می‌آید. نیک کی^{۲۱} آن را چنین تفسیر می‌کند: «چومی معمار را... همواره در حال اجرا در نظر می‌گیرد» (Kaye, 2000, 52). می‌توان گفت که اگر چومی «اجرای معماری» را بررسی

می‌کند، دراماتورژ تئاتری به مطالعه و بررسی «معماری اجرا» می‌پردازد.^{۲۲}

در میان اهل تئاتر نیز، پس از لسینگ، بسیاری کوشیده‌اند واژه‌ی «دراماتورژی» را باز تعریف و روشن کنند؛ مثلاً یوجنیو باربا دراماتورژی را «درهم‌تنیدن عناصر متفاوت اجرا» تعریف می‌کند، و پاتریس پاوایس^{۲۳} آن را همچون مفصل‌بندی سازوکارهای ترکیبی^{۲۴}، ایدئولوژیک و زیبایی‌شناختی اجرا می‌داند.

و اما «دراماتورژ». نقش دراماتورژ، در برابر مفهوم دراماتورژی، ریشه در روال عملی تئاتر در اروپای غربی و به‌ویژه در آلمان دارد. در حال حاضر که این اصطلاح به ما هم رسیده، تاریخی طولانی را پشت‌سر گذاشته است و تغییر و تحول قابل توجهی

پیدا کرده که از آن جمله استحالهی آن در آلمان است؛ مفهوم دراماتورژی در آلمان، از نقش کاملاً انتقادی و ادبی، که دل مشغولی لسینگ بود، به درگیری عملی «دراماتورژ تولید و اجرا» که برشت و دیگران به راه انداختند گسترش یافت.

نقش قراردادی دراماتورژ آلمانی^{۲۵}، در ساختار مدیریت تئاترهای دولتی ریشه دارد. دراماتورژ آلمانی همراه با کارگردان هنری، رپرتوار تئاتری را طرح ریزی می‌کند، و این وظیفه‌ای است که جست‌وجوی نمایشنامه‌های جدید (شناسایی آثار مناسب برای اجرا و نه رشد و بالندگی نویسندگان) و انتخاب کارهای تثبیت شده را نیز دربرمی‌گیرد. واحد یا دپارتمان دراماتورژی (تعداد دراماتورژها بسته به اندازه و بودجه‌ی تماشاخانه متفاوت است) ممکن است مسئولیت جنبه‌هایی از کار انتخاب بازیگر، نگارش بروشور و همکاری نزدیک با واحدهای فروش را نیز بر عهده داشته باشد. دراماتورژ تولید و اجرا ممکن است به اجراهایی خاص اختصاص یابد، او در تمرین‌ها با کارگردان همکاری می‌کند، برای تغییر متن پیشنهادهایی ارائه می‌دهد، به جست‌وجوی دوباره برای یافتن اطلاعاتی در مورد زمینه و بستر متن می‌پردازد، آرایه‌ی برای پرورش و تشکل کار ارائه می‌دهد و غیره. این نوع درگیری عملی، بیشتر، دستاوردی متأخر است که از طریق پیسکاتور و برشت شکل گرفت و در طول دهه‌ی ۱۹۷۰ کاملاً تثبیت شد.^{۲۶}

ناگفته نماند نقش دراماتورژ در پرورش نمایشنامه‌های تازه نوشته شده، به خوبی در امریکای شمالی شکل گرفت، هرچند شکل‌گیری آن در ایالات متحده نیز تا حد زیادی مورد بحث بوده است. در امریکای شمالی، همچون انگلیس، وقتی در دهه‌ی ۱۹۹۰ تئاترهای منطقه‌ای یارانه‌دار تثبیت شدند، دراماتورژها پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند. در آغاز به دراماتورژ همچون بخشی از سرمشق اروپایی تئاترهای دولتی نگاه می‌شد، حال آن‌که نخستین مدیران ادبی پیش از این زمان در امریکا ظاهر شدند. زلناک^{۲۷} استدلال می‌کند در اوایل قرن بیستم کسانی چون نمایشنامه‌نویسان «پراوینس تاون پلیبرز»^{۲۸} در اصل همچون دراماتورژ عمل می‌کردند؛ سرمشقی که بعدها در دانشگاه پیل^{۲۹} با عنوان «منتقد درون‌سازمانی»^{۳۰} تثبیت شد. ^{۳۱} ما نیز وقتی به گذشته‌ی نزدیک خود نگاه می‌کنیم ای بسا نمایشنامه‌نویسانی چون میرزا آقا تبریزی و برخی مترجمان شکسپیر و مولیر را در

| ۱۷ | | دراماتورژی چیست؟ دراماتورژ کیست؟ |

دوران قاجار در مقام دراماتورژ بیشتر و بهتر بپذیریم تا در مقام نمایشنامه‌نویس یا مترجم.

